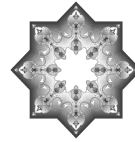


## حکمرانی خوب در تعامل با جرائم حکومتی



صفحات ۷۵ تا ۹۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

مصطفی حیدری هراتمه<sup>۱</sup>

وحید آرای<sup>۲</sup>

### چکیده

حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌جویی، مشروعیت مطابق با قرارداد اجتماعی، حق نظارت عمومی، قانون‌گذاری صحیح، شفافیت، فرآیند محوری به جای فرد محوری مؤلفه‌های حکمرانی خوب هستند که به صورت مشخص با نظام حقوقی مرتبط است. در حوزه حقوق کیفری عدم رعایت هر کدام از ابعاد حکمرانی خوب می‌تواند منجر به یکی از اقسام جرائم حکومتی شود. هدف مطالعه حاضر، مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب در راستای جرائم حکومتی در نظر گرفته شد. با بررسی مطالعات موجود و استفاده از برنامه هوش مصنوعی و برنامه ChatGPT مؤلفه‌ها/شاخص‌هایی که بر اساس اصول حکمرانی خوب با نظام حقوقی در تعامل است، شناسایی شد و پرسشنامه ماتریسی ساختاریافته با رویکرد ISM جهت تعیین تعامل بین مؤلفه‌ها تدوین و جهت استحکام بیشتر توسط ۱۳ نفر خبره و استاد دانشگاه تکمیل و بر اساس فراوانی نظرات و اجماع نظری حاصل شده، روابط بین مؤلفه‌ها نهایی شدند. یافته‌ها نشان داد پرنفوذترین مؤلفه بر اساس ماتریس قدرت نفوذ-وابستگی، مؤلفه‌های «فرایندمحوری، کنترل فساد و پاسخگویی» بوده و حکمرانی خوب در راستای تقلیل جرائم حکومتی شدیداً به این مؤلفه‌ها وابسته است. از این رو با ایجاد نوآفرینی در حکمرانی از جمله حکمرانی جامعه‌محور، فرایندمحور و پاسخگو می‌توان جرائم را مدیریت و تقلیل داد. نهایتاً حکمرانی خوب با تمرکز بر قانون و نظم اجتماعی، ایجاد شرایط اجتماعی اقتصادی مناسب، فرآیند پاسخگویی بی‌طرفانه، ابتکارات پیشگیرانه، ایجاد زمینه‌های تعاملی مشارکت‌کنندگان اجتماعی در راستای ایجاد همدلی، اعتماد و همبستگی اجتماعی و سرانجام پیاده‌سازی خدمات انسانی و پایداری و تداوم آن و حفظ استفاده مؤثر از نوآوری‌های خدمات انسانی، تحقق پیدا می‌کند و نظام حقوقی کارآمد شکل می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** حکمرانی جامعه‌محور، حکمرانی فرایندمحور، حکمرانی پاسخگو، کنترل فساد، نظام حقوقی.

## ۱- بیان مسأله

کیفیت حکمرانی خوب رابطه نظری منفی با وقوع جرم دارد؛ اما شواهد تجربی رابطه روشنی بین این متغیرها پیدا نمی‌کنند. مطالعات متعددی کاهش فعالیت مجرمانه را در نتیجه بهبود کیفیت حکمرانی خوب نشان داده‌اند. مطالعه‌ای که به‌عنوان مثال در مالزی انجام شده، نشان داده است که حکمرانی خوب، جرائم را در همه انواع آن به‌جز جرائم خشونت‌آمیز کاهش می‌دهد (حبیب‌الله، م، اس و بهاروم، ا، اچ و همکاران ۲۰۱۶). مطالعه دیگری توسط (کودلا-تکیدا و اس، آسونگو، ۲۰۱۶) رابطه بین جرم و جنایت و حکمرانی را در پس‌زمینه درگیری‌ها در آفریقا بررسی کرد و دریافتند که برخی از کیفیت حکمرانی خوب ارتباط معنی‌داری با کاهش نرخ جرم و جنایت ندارد. این مطالعه از معیارهای مختلف کیفیت حکمرانی خوب مانند کیفیت نظارتی، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد استفاده کرد. در بین این متغیرها تنها کنترل فساد به‌عنوان بهترین ابزار برای مبارزه با جرائم و درگیری‌ها شناخته شد. ادبیات موجود در مورد رابطه مستقیم بین کیفیت حکمرانی خوب و نرخ جرم و جنایت کاملاً ناقص است. تعدادی مطالعه وجود دارد که تأثیر کیفیت حکمرانی خوب را بر مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی تحلیل کرده است. علاوه بر این نوع ادبیات، مطالعاتی نیز وجود دارد که به تحلیل رابطه بین متغیرهای اقتصادی و میزان جرم و جنایت پرداخته‌اند. با این حال، در دانش حقوقی ادبیات زیادی وجود ندارد که با ترکیب مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، تأثیر کیفیت حکمرانی خوب را بر میزان جرم و جنایت تحلیل کند. حکمرانی خوب نقش بسزایی در روند کاهش فقر دارد. بین حاکمیت و نابرابری درآمد رابطه معناداری وجود دارد. وقتی شکاف نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد، سطح فقر شدیدتر می‌شود که به نوبه خود احتمال افزایش فعالیت‌های مجرمانه را دارد. مطالعه اکرم، زی و وجیدا، اس و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که فقر به‌طور معنی‌داری با حکمرانی ضعیف مرتبط است. کیفیت حکمرانی خوب نیز از طریق نابرابری درآمد بر میزان جرم و جنایت تأثیر می‌گذارد. براش، جی (۲۰۰۷) رابطه مثبتی بین نابرابری درآمد و میزان جرم و جنایت را در ایالات متحده نشان داد. به‌طور مشابه، چو، جی (۲۰۰۸) رابطه بین نابرابری درآمد و نرخ جرم و جنایت را در ایالات متحده بررسی کرد. نتایج حاکی از آن است که نابرابری درآمدی یک اثر قوی و مقاوم بر سرقت دارد درحالی‌که سرقت نیز در بیشتر موارد قوی و مقاوم است. جنایت ممکن است هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه‌یافته را به‌طور یکسان تحت

تأثیر قرار دهد، بنابراین پیوند شهودی بین حکمرانی خوب و جهان توسعه‌یافته را به چالش می‌کشد. بخش قابل توجهی از جمعیت ممکن است قربانی انواع جرائم در کشورهای توسعه‌یافته باشند. بر اساس برآورد موسسه تحقیقات جنایی و عدالت بین منطقه‌ای سازمان ملل متحد (UNICRI)، ۱۴٫۸ درصد از جمعیت نیوزیلند از جرائم مالی رنج می‌برند. حدود ۱۲٫۷ درصد از جمعیت ایتالیا، ۱۲٫۲ درصد در بریتانیا، ۱۰ درصد در ایالات متحده و ۳٫۴ درصد ژاپن قربانی جرائم مالی می‌شوند. نهادهای عمومی مؤثر مانند پلیس و قوه قضائیه فعالیت‌های مجرمانه را کنترل می‌کنند. مجرمان افرادی عقلایی و حداکثرکننده مطلوبیت هستند. آن‌ها با مقایسه منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم و مقایسه هزینه‌های مورد انتظار دستگیر شدن و مجازات شدن، تصمیم خواهند گرفت که آیا مرتکب جرم شوند یا خیر (بکر، ۱۹۶۸). جنایت از نظر اقتصادی هزینه زیادی دارد. زیان جرائم سازمان‌یافته بالغ بر ۱۶ درصد از تولید ناخالص داخلی سرانه است (پینوتی، پی، ۲۰۱۵). این مطالعه به دنبال شناخت هرگونه نقش احتمالی کیفیت حکمرانی خوب در تعامل با نظام حقوقی و جرم و جنایت است. نوآوری مطالعه حاضر نسبت به سایر مطالعات صورت گرفته از دو جنبه قابل بررسی است. نخست روش‌شناسی پژوهش می‌باشد که مطالعه‌ای در باب حکمرانی خوب و جرائم حکومتی با تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) صورت نگرفته است و دوم این که با استفاده از طریق برنامه هوش مصنوعی (AI) و برنامه ChatGPT، مؤلفه‌های مؤلفه‌ها، مورد بررسی مجدد قرار گرفت که کاملاً همسو و سازگار با یکدیگر بودند. در ادامه، ابتدا نگاهی تحلیلی به تصویر تعریفی و چارچوب نظری مفهوم جرائم حکومتی و حکمرانی و ارتباط آن پرداخته و از طریق روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط و تعاملات بین این دو تعیین و بر اساس میزان قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها، سطح‌بندی مؤلفه صورت می‌گیرد و در نهایت، نتایج و یافته‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

## ۲. ادبیات پژوهش

ارتباط بین بی‌ثباتی سیاسی که معیار مهمی برای کیفیت حکمرانی خوب است و جرم و جنایت به‌خوبی در ادبیات مستند شده است. بی‌ثباتی در بسیاری از کشورها (گامبیا، گینه بیسائو و سنگال) به طور مستقیم علت نرخ بالای جرم و جنایت است (آلومیکا، ای. ای.، ۲۰۱۳). قاچاق مواد مخدر، پول‌شویی، تولید اسلحه و قاچاق اسلحه، قاچاق انسان، تقلب در هزینه‌های پیش‌پرداخت، سرقت مسلحانه، انبار نفت و دزدی دریایی اشکال عمده جرائم سازمان‌یافته در

نیجریه هستند (آلومیکا، ای. ای.، ۲۰۱۳). کیفیت حکمرانی خوب به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق نقش میانجی برابری درآمد، فقر و فساد بر میزان جرم و جنایت تأثیر می‌گذارد. حسن، ام (۲۰۰۲) نشان داد که حکمرانی ضعیف، مانعی در اجرای سیاست‌های حمایتی از فقراست؛ بنابراین اصلاحات در پلیس، قوه قضائیه و سیستم جمع‌آوری مالیات و سیستم مدیریت دولتی پیش شرط فقرزدایی است. سیتا، پی (۲۰۱۲) دریافتند که سیاست رشد بر پایه حمایت از فقرا که در تایلند در نبود حکمرانی خوب دنبال می‌شود، نتوانست به میزان قابل توجه و معنی‌داری فقر را کاهش دهد. سارکر، ای. ای. و رحمان، ام، اچ (۲۰۰۷) رابطه بین حکمرانی و کاهش فقر را برای بنگلادش بررسی کردند و دریافتند که بنگلادش نمی‌تواند به طور مؤثر مشکل فقر را به دلیل عدم همکاری نهادی، فساد گسترده، عدم پاسخگویی و شفافیت و فقدان حاکمیت قانون، حل و رفع نماید. هندرسون، جی و هالم، دی و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین حکمرانی اقتصادی و کاهش فقر را در مالزی بررسی کردند و دریافتند که سیاست‌های توسعه نادرست، بی‌نظمی‌ها در عملیات بوروکراتیک و برنامه‌ریزی و اجرای اقتصادی ناقص، انگیزه ناموفق علیه فقر را توضیح می‌دهند. فساد و کیفیت حکمرانی خوب نیز به طور درونزا با یکدیگر مرتبط هستند. یک مطالعه تأثیر معنی‌دار فساد را بر کیفیت حکومت نشان داد. مونتس جی. سی و پاسکال، پی. سی (۲۰۱۶) رابطه بین فساد و اثربخشی دولت را بررسی کردند و دریافتند که کشورهای کمتر فاسد استانداردهای خدمات عمومی بهتر و تعهد بیشتری به برنامه توسعه دارند. برخی از مطالعات همچنین نقش برخی از متغیرهای اقتصادی را که به طور بالقوه می‌توانند بین جرم و نتایج اقتصادی میانجیگری کنند، تحلیل کردند. حبیب‌الله، م، س و بهارم، الف، ح (۲۰۰۹) رابطه بلندمدتی بین جرم و شرایط اقتصادی پیدا کردند و دریافتند که قتل، سرقت مسلحانه، تجاوز جنسی، ضرب و جرح، دزدی در روز و سرقت موتورسیکلت با شرایط اقتصادی (شاخص تولید ناخالص ملی سرانه حقیقی)، رابطه بلندمدت دارند. دراکا (۲۰۱۵) رابطه بین جرم و جنایت و انگیزه‌های اقتصادی را بررسی کرد. در مدل اقتصادی جرم، انگیزه‌های اقتصادی را تغییر می‌دهد تا مشارکت افراد را در فعالیت‌ها و اقدامات مجرمانه تغییر نماید. مشوق اقتصادی به دستمزد قانونی در بازار رسمی کار و بازدهی اقتصادی فعالیت‌های غیرقانونی، تقسیم می‌شود. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که انگیزه‌های اقتصادی برای عواید نرخ جرم و جنایت، موضوعی بسیار مهم است. حبیب‌الله، م، س و بهارم، ا، ح (۲۰۰۹) رابطه بین جرم و جنایت و

نابرابری درآمد را در مالزی مورد سنجش قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که بین نابرابری درآمد و جرم و جنایت رابطه وجود ندارد. در واقع این پژوهش نتوانسته است رابطه معناداری بین جرم و نابرابری درآمد ایجاد کند و همچنین بین متغیرهای تحقیق رابطه علی وجود ندارد. کلی (۲۰۰۰) رابطه بین جرم و نابرابری را بررسی کرد. نتایج تجربی نشان داد که نابرابری بر جرائم مالی تأثیری ندارد اما تأثیر قوی بر جرائم خشن دارد. میزان جرائم مالی به نوعی تحت تأثیر توزیع درآمد و ثروت خواهد بود. سطح جرم ممکن است تحت مالیات قهقراپی و در محله‌های ثروتمندتر بیشتر باشد (مدن و چیو، ۱۹۹۸). بوشگلیا، ایی و دیک، جی، وی (۲۰۱۳) دریافتند که جرائم سازمان‌یافته و فساد نتیجه و پیامد حکمرانی بد و قوانین اقتصادی و مالی تبعیض‌آمیز و نظام حقوقی قضایی ضعیف است چراکه محرک‌های حکمرانی بد، هستند که منجر به فساد و جرم می‌شود. اسوریال جی و ابایو، ام و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که بین فقر و جنایت در غنا فقط برای برخی از جرائم خاص مانند جنایات جنسی و مالی رابطه وجود دارد. کوری، ا، وی (۲۰۰۹) دریافتند که شواهدی از تعامل بین مخارج دولت و حکمرانی وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که کشورهای دارای حکمرانی خوب از هزینه‌های عمومی استفاده مؤثرتری می‌کنند. ویلسون، آر (۲۰۱۶) یک علیت یک‌طرفه بین رشد اقتصادی و کیفیت حکمرانی خوب در چین را تخمین زد، جایی که جهت علیت از کیفیت حکمرانی خوب به رشد اقتصادی است. گنجی و آ، بناگا و همکاران (۲۰۱۳) رابطه بین حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عربی را بررسی کردند. ایشان دریافتند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور معنی‌داری با تولید ناخالص داخلی، باز بودن تجارت و بسیاری از شاخص‌های حکمرانی در کشورهای عربی مرتبط است. مهلوم، اچ، معینه، کا و همکاران (۲۰۰۵) استدلال نمودند که فقر و جنایت هر دو مانع رشد اقتصادی می‌شوند. ایشان برای مطالعه نتایج از مدل ایجاد شغل استفاده کرده است. او پیشنهاد می‌کند که ایجاد شغل ممکن است از طریق جرم و جنایت دارای اثرات مثبت یا منفی خارجی باشد. در سطح پایین مدرنیته و نوسازی پایین، ایجاد شغل توسط یک بنگاه باعث افزایش جرم و جنایت می‌شود، اما در صورت نوسازی بالا، ایجاد شغل توسط یک بنگاه باعث کاهش جرم می‌شود. به این دلیل است که در سطح بالای مدرنیزاسیون، نیروی کار کمیاب‌تر شده است؛ بنابراین، تغییر نشانه خارجی در سطوح مختلف توسعه، تله فقر ایجاد می‌کند. جرم و بیکاری نیز به طور معناداری با

یکدیگر مرتبط هستند که تأثیر مثبت و معناداری بر یکدیگر دارند (رافائل (۲۰۰۱)، کارمایکل (۲۰۰۱)، ژانگ (۲۰۱۷). گیلانی (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین جرم، بیکاری، فقر و تورم در پاکستان طی دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۷ می‌پردازد. نتایج تجربی نشان داد که رابطه بلندمدت بین جرم، بیکاری، فقر و تورم وجود دارد؛ و علیت یک‌طرفه از جنایت به بیکاری را در بر می‌گیرد. با وجود زمینه‌های متعدد برای شکل‌گیری جرائم حکومتی، طبیعی است جرائم حکومتی هم متعدد باشند با این حال می‌توان برخی از جرائم حکومتی را به شرح زیر فهرست نمود:

- ✓ فساد، از جمله رشوه دادن، خویشاوندی، دوستی و حمایت (با منفعت برای خود، خانواده، دوستان یا حزب).
  - ✓ کلاهبرداری و سرقت منابع، از جمله دست‌کاری اطلاعات برای پوشش کلاهبرداری.
  - ✓ وعده‌ها، هدایا یا تخفیف‌های مشکوک.
  - ✓ تضاد منافع از طریق مشاغل و فعالیت‌ها، خارج از سازمان (به‌عنوان مثال «مهاجری»).
  - ✓ استفاده نادرست از خشونت نسبت به شهروندان، مظنونین.
  - ✓ سایر روش‌های نادرست (تحقیقی) پلیسی (از جمله وسایل نادرست برای دستیابی به اهداف عالی).
  - ✓ سوءاستفاده و دست‌کاری اطلاعات (استفاده غیرمجاز و نادرست از پرونده‌های پلیس؛ درز اطلاعات محرمانه).
  - ✓ تبعیض و آزار و اذیت (جنسی). رفتار ناشایست با همکاران/شهروندان.
  - ✓ اتلاف و سوءاستفاده از منابع سازمانی از جمله زمان.
  - ✓ سوء رفتار در اوقات فراغت (خشونت خانگی، رانندگی در حالت مستی، مصرف مواد مخدر و غیره).
- مؤلفه‌هایی از جمله حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت در حکومت، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌جویی، مشروعیت مطابق با قرارداد اجتماعی، حق نظارت عمومی، قانون‌گذاری صحیح، شفافیت، فرآیند محوری به جای فرد محوری از جمله ابعاد حکمرانی خوب هستند که به صورت مشخص با نظام حقوقی مرتبط است. در حوزه حقوق کیفری عدم رعایت هر کدام از ابعاد حکمرانی خوب می‌تواند منجر به یکی از اقسام جرائم حکومتی شود. بدین معنا که

مصادیق جرائم حکومتی در واقع جرم انگاری عدم رعایت و اجرای مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نظام حقوقی است. نوشتار پیش رو نشان می‌دهد که می‌توان هر کدام از جلوه‌های جرائم حکومتی را به عدم رعایت یک یا چند مورد از مؤلفه‌های حکمرانی خوب مرتبط دانست. فساد به عنوان یک جرم حکومتی نتیجه عدم شفافیت، فقدان نظارت عمومی و پاسخگویی نهادهای دولتی است که این‌ها که خشونت حکومتی می‌تواند به دلیل حاکمیت سیاست‌گذاری فردی بر جمعی، عدم پذیرش تکثر، پایین بودن میزان اعتماد حاکمان به شهروندان، حاکمیت رویکردهای کنترلی در بدنه حاکمیت باشد. همچنین می‌توان نقض حقوق بشر را به دلیل عدم پیش‌بینی سازوکارهای نظارت بر قدرت، عدم مسئولیت‌پذیری قوای حاکمه و عدم پاسخگویی آن‌ها دانست. در نهایت با توجه به مطالب فوق‌الذکر و بررسی مطالعات موجود و استفاده از برنامه هوش مصنوعی (AI) و برنامه ChatGPT برنامه مؤلفه‌ها/شاخص‌هایی که بر اساس اصول حکمرانی خوب با نظام حقوقی در تعامل است، شناسایی و به شرح زیر ارائه می‌گردد:



منبع: محقق ساخته

شکل ۱- مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر اساس نظام حقوقی

### ۳- روش پژوهش

هدف مطالعه حاضر، مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب در راستای جرائم حکومتی در نظر گرفته شد. نوع تحقیق، کاربردی، توسعه‌ای است که با استفاده از روش کیفی انجام شده است و با استفاده از تحلیلی نوین تحت عنوان مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط بین مجموعه مؤلفه‌ها تعیین گردید. داده‌های از مطالعات موجود و کتب جمع‌آوری شده و با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، جهت تعیین روابط میان مجموعه مؤلفه‌ها استفاده شده است. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. روابط بین مؤلفه‌ها بر اساس مبانی نظری موجود و مطالعات صورت گرفته تعیین شده است اما جهت استحکام بیشتر روایی آن از ۱۳ نفر خبره و استاد دانشگاه نیز بهره گرفته شده است که بر اساس فراوانی نظرات و اجماع نظری حاصل شده، روابط بین مؤلفه‌ها نهایی شدند.

#### مدل‌سازی ساختاری تفسیری<sup>۱</sup>

مدل‌سازی ساختاری تفسیری روشی اکتشافی برای شناسایی روابط شاخص‌ها و سطح‌بندی آن‌ها مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایانه است. با استفاده از این روش می‌توان الگوی روابط علی و پیچیده میان یک مجموعه از عوامل را شناسایی کرد. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که بر اساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین مؤلفه‌های زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است و برای مطالعات مدیریت و علوم اجتماعی مناسب است. از این روش برای شناسایی روابط میان یک مجموعه عوامل، شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها استفاده می‌شود. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. از این منظر کاربرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشابه روش دیمتل است اما علاوه بر شناسایی روابط به سطح‌بندی شاخص‌ها نیز می‌پردازد. کاربرد اصلی این روش برای پژوهشگران، طراحی الگوی اولیه پس از شناسایی عوامل زیربنایی پدیده مورد مطالعه با روش‌های کیفی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ISM استفاده می‌شود. دقت کنید این پرسشنامه تنها یک ماتریس استاندارد است و با پرسشنامه‌های سنجش نگرش با طیف لیکرت تفاوت دارد. مفاهیمی مانند روایی و پایایی نیز

1- Interpretive Structural Modeling = ISM



در مورد این پرسشنامه مصداق ندارند. در روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تنها از ۰ و ۱ برای تعیین روابط شاخص‌ها استفاده می‌شود بنابراین پاسخ‌دهندگان آزادی چندانی در بیان رابطه شاخص‌ها ندارند. برای انجام مدل‌سازی ساختاری تفسیری پنج گام اصلی برداشته می‌شود:

- تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری
- ماتریس دستیابی
- ماتریس انتقال‌پذیری
- سطح‌بندی شاخص‌ها
- ترسیم نمودار قدرت نفوذ-وابستگی

گام ۱) تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

پس از شناسایی شاخص‌های زیربنایی پدیده مورد مطالعه یک ماتریس مربع  $n \times n$  از شاخص‌های موجود طراحی می‌شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه ISM است. در این مطالعه شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها به شرح زیر گزارش می‌گردد:

جدول شماره ۱- مؤلفه‌های حکمرانی خوب در سایه جرائم حکومتی

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K
جرائم حکومتی	حاکمیت و کیفیت قانون	شفافیت	مسئولیت پذیری	اجماع محوری	مشارکت در حکومت	مشروعیت	پاسخگویی	کنترل فساد	حق نظارت عمومی	فراپدتمجوری

روابط بین مؤلفه‌های فوق بر اساس نظام قراردادی زیر تبیین می‌شود:

ارتباط یک‌طرفه از  $i$  به  $j = 1$  ارتباط یک‌طرفه از  $j$  به  $i = 1 -$

ارتباط دوطرفه بین  $i$  و  $j = 2$  عدم ارتباط بین  $i$  و  $j = 0$

با استفاده از نمادهای مندرج در جدول فوق الگوی روابط علی میان مؤلفه‌ها تعیین

می‌شود. به این ترتیب ماتریس خودتعاملی ساختاری تشکیل می‌شود.

جدول شماره ۲- ماتریس خودتعاملی ساختاری

SSIM-Matrix												
	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	
A	-	-1	-1	-1	2	-1	-1	-1	-1	-1	-1	-1
B	1	-	1	1	-1	2	2	1	1	2	2	
C	1	-1	-	2	-1	2	2	2	2	-1	-1	
D	1	-1	2	-	2	2	1	2	2	-1	-1	
E	2	1	1	2	-	2	2	1	1	2	1	
F	1	2	2	2	2	-	1	2	2	-1	-1	
G	1	2	2	-1	2	-1	-	-1	-1	-1	-1	
H	1	-1	2	2	-1	2	1	-	2	-1	-1	
I	1	-1	2	2	-1	2	1	2	-	-1	-1	
J	1	2	1	1	2	1	1	1	1	-	1	
K	1	2	1	1	-1	1	1	1	1	-1	-	

## گام ۲) ماتریس دریافتی

ماتریس دریافتی Reachability matrix ماتریس صفر و یک از ماتریس از خود تعاملی است. به این صورت که به جای ۱ و ۲ عدد ۱ و برای -۱ و ۰ عدد صفر جایگزین می‌شود. ماتریس به دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک یا خط تیره قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳- ماتریس دریافتی اولیه

ماتریس دریافتی اولیه											
	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K
A	1	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0
B	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1
C	1	0	1	1	0	1	1	1	1	0	0
D	1	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0
E	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
F	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0
G	1	1	1	0	1	0	1	0	0	0	0
H	1	0	1	1	0	1	1	1	1	0	0
I	1	0	1	1	0	1	1	1	1	0	0
J	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
K	1	1	1	1	0	1	1	1	1	0	1

گام ۳) ماتریس انتقال پذیری

بعد از آن که ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. ماتریس مربعی که هر یک از سل‌های آن زمانی که درایه به درایه با هر سطر دسترسی داشته باشد، عدد یک و در غیر آن عدد صفر می‌گیرد. حالت‌های ممکن متعددی برای تک‌تک مؤلفه‌ها طبق ماتریس خودتعاملی ساختاری انجام می‌شود و ماتریس زیر به دست می‌آید. حال باید تک‌تک به تک مؤلفه‌ها را بررسی نمود و اگر تغییری به وجود آمد با علامت \* ۱ یا رنگ قرمز در ماتریس نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۴- ماتریس دریافتی نهایی

ماتریس دریافتی نهایی											
	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K
A	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
B	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0
D	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
F	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
G	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
H	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0
I	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0
J	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
K	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1

گام ۴) نمودار قدرت نفوذ - وابستگی

در تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری روابط متعامل و مؤثر بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطح‌ها نمایش داده می‌شود و در اتخاذ تصمیمات توسط مدیران اهمیت زیادی دارد؛ و برای شناخت مؤلفه‌های کلیدی میزان و درجه نفوذ و وابستگی آن‌ها در ماتریس نهایی شکل می‌گیرد.

قدرت یا میزان نفوذ Driving Force: تعداد عناصری که عنصر i ام بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در واقع میزان تأثیر بر مؤلفه‌های دیگر است که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر سطر در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

قدرت یا میزان وابستگی Dependent Force: تعداد عناصری که بر عنصر i ام تأثیر

می‌گذارند. در واقع تأثیرپذیری از مؤلفه‌های دیگر را نشان می‌دهد که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر ستون در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

جدول شماره ۵- نفوذ و وابستگی

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K
میزان نفوذ	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۸	۸
میزان وابستگی	۱۱	۱۱	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۹	۹	۱۱	۱۱

عدد یک در هر سطر و ستون ماتریس دریافتی نهایی به ترتیب، تأثیرگذاری هر مؤلفه بر مؤلفه دیگر و تأثیرپذیری هر مؤلفه از مؤلفه دیگر را نشان می‌دهد.

گام ۵) تعیین روابط و سطح‌بندی مؤلفه

روابط و سطح‌بندی مؤلفه‌ها در ISM متأثر از مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌های ماتریس دریافتی نهایی خواهد بود: الف) مجموعه دستیابی (تأثیرگذاری یا خروجی‌ها): شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. ب) مجموعه پیش‌نیاز (تأثیرپذیری یا ورودی‌ها): شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. با توجه به ماتریس دریافتی نهایی، سطوح مؤلفه‌ها تعیین می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی زیادی هستند در سطوح ابتدایی و مؤلفه‌های که دارای قدرت نفوذ بالایی هستند در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی کم هستند در سطوح بالاتر و مؤلفه‌های که دارای قدرت نفوذ پایینی هستند در بالاترین سطح قرار می‌گیرند. با این اوصاف نه مؤلفه در سطح یک و دو مؤلفه در سطح دو قرار می‌گیرند.



نمودار شماره ۱- مدل سازی ساختاری تفسیری

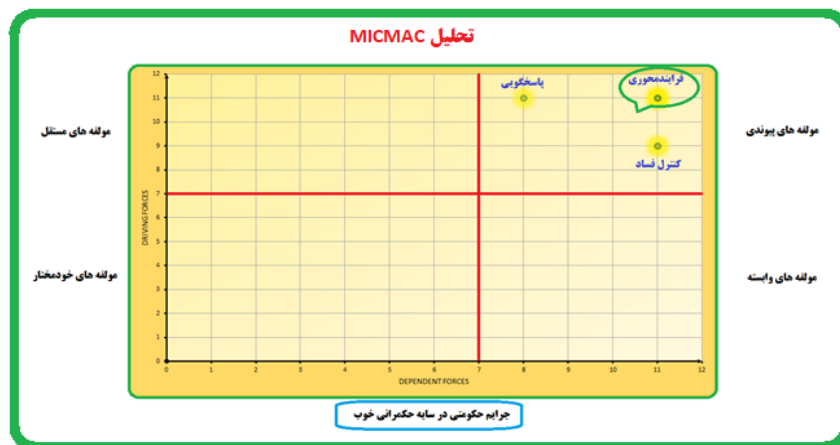
#### ۴. تحلیل MICMAC

مؤلفه‌ها در این تحلیل بر اساس میزان قدرت نفوذ و میزان قدرت وابستگی به چهار نوع؛ وابسته، خودمختار، مستقل و پیوندی تفکیک شده که هر کدام تفسیر خودشان را دارند: «مؤلفه‌های خودمختار» دارای میزان قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف یا پایین هستند و به‌طور کلی تعامل اندکی با سایر مؤلفه‌ها دارند در واقع خودمختار و سوا از سیستم رفتار می‌کنند. «مؤلفه‌های وابسته» دارای قدرت نفوذ کم، اما دارای نیروی وابستگی بالاتری نسبت به مؤلفه‌های دیگر هستند. «مؤلفه‌های پیوندی» حاوی قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن اینکه بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند؛ از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود؛ نهایتاً «مؤلفه‌های مستقل» که از قدرت نفوذ زیاد، اما قدرت وابستگی کم برخوردار می‌باشند و با تغییر هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توان سایر مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرار داد.

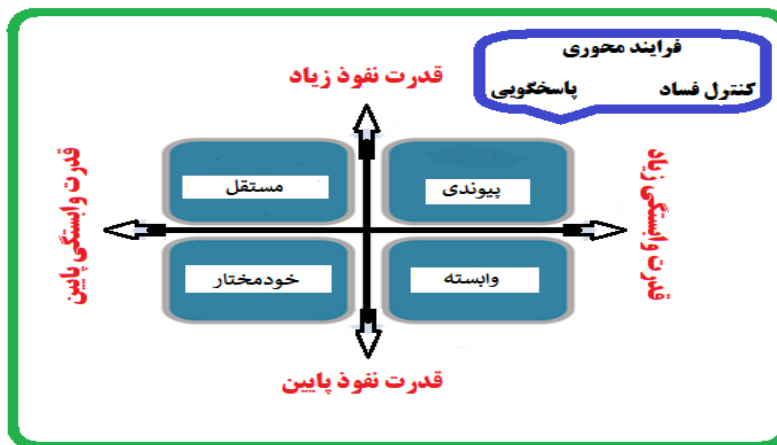
پس از تعیین قدرت نفوذ و قدرت وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان تمامی مؤلفه‌ها را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش MICMAC قرار داد. در اینجا نکته مهمی که وجود دارد مشخص کردن مرز بین این چهار دسته است. بر روی ماتریس روش MICMAC نقاط مرزی معمولاً یک واحد بزرگ‌تر از میانگین تعداد مؤلفه‌ها است یعنی با تعداد  $n = 9$  مؤلفه، خط مرزی برابر است با رابطه:  $1 + (n/2) = 6/5 = 7/5$  یعنی: بعد از رسم ماتریس و

پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره بیست و نهم، شماره ۹۱، زمستان ۱۴۰۲

تعیین خطوط مرزی، مؤلفه‌ها بر اساس میزان نفوذ و وابستگی درون آن قرار می‌گیرد. بر اساس میزان نفوذ و وابستگی آن‌ها، هیچ مؤلفه‌ای به عنوان مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار شناخته نشدند، اما مؤلفه‌های «فرایند محوری»، «کنترل فساد» و «پاسخگویی» به عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شدند.



نمودار شماره ۲- جرایم حکومتی در سایه حکمرانی خوب



نمودار شماره ۳- نمودار قدرت نفوذ - وابستگی نهایی

از یافته‌های تحقیق می‌توان به نتایج به این نکته اشاره کرد در این ماتریس مؤلفه‌های حکمرانی خوب در راستای جرائم حکومتی با توجه به قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر سطح‌بندی شده است. سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که نه مؤلفه در سطح یک و دو مؤلفه در سطح دو قرار گرفتند. این سطح‌بندی نشان داد که هیچ مؤلفه‌ای در چارچوب مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار تعریف و تعیین نشدند، اما مؤلفه‌های «فرایند محوری»، «کنترل فساد» و «پاسخگویی» به عنوان مؤلفه‌های پیوندی تعیین شدند. این مؤلفه‌ها دارای قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن این که بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند، از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود. در واقع، مطالعه نشان داد که علی‌رغم این که مؤلفه‌های تعریف‌شده بر حکمرانی خوب معطوف به جرائم حکومتی بی‌تأثیر نیستند، اما یافته جالب مطالعه حکایت از این دارد که جرائم حکومتی در سایه حکمرانی خوب در چارچوب فرایندمحوری، کنترل فساد و پاسخگویی، مدیریت و تقلیل پیدا می‌کند که علاوه بر این که با مبانی نظری سازگار می‌باشد، با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد.

##### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر تعامل کیفیت حکمرانی خوب و جرائم حکومتی را مورد بررسی قرار داد. تا روشن شود که چگونه کیفیت حکمرانی خوب بر وقوع جرائم تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های مختلف حکمرانی با دسته‌های مختلف جرائم به طور معناداری مرتبط است و جرائم حکومتی در چارچوب فرایندمحوری، کنترل فساد و پاسخگویی، مدیریت و تقلیل پیدا می‌کند که علاوه بر اینکه با مبانی نظری سازگار می‌باشد با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد؛ بنابراین حکمرانی خوب و جرائم حکومتی کاملاً در تعامل بوده و با ایجاد نوآفرینی در حکمرانی از جمله حکمرانی جامعه‌محور، فرایندمحوری و پاسخگویی می‌توان جرائم را تقلیل داد. امروزه ایده‌ها و نظرات جدیدی تحت عنوان نوآفرینی حکمرانی و گرایش به سمت حکمرانی جامعه‌محور (توانمندسازی به جای خدمات‌رسانی) باعث شده دولتمردان و مدیران دولتی به جای خدمات‌رسانی‌هایی که در گذشته به شهروندان ارائه می‌دادند، تشکلهای محلی و سازمان‌های اجتماعی مردمی را به گونه‌ای توانمند سازند تا امور مربوط به جامعه خویش را سازمان‌دهی کنند. اقدامات حکمرانی خوب و بر پایه جامعه برای

جلب مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری از جرم از جمله این ایده‌هاست. مشارکت‌ها نشان‌دهنده تعهد پایدار به اقدام تعاملی برای دستیابی به یک هدف مشترک است. ماهیت دقیق آنچه «تعهد پایدار» در یک مشارکت نشان می‌دهد بسته به پیچیدگی موضوعات، بازیگران درگیر، زمینه سیاسی و فرهنگی، منابع موجود و غیره متفاوت است. با در نظر گرفتن این موضوع، پنج اصل مهم شرح داده شده در جدول زیر وجود دارد که به عنوان محوری برای ایجاد ترتیبات حکمرانی خوب که مشارکت‌های موفق را تقویت می‌کند، به ویژه آن‌هایی که بین جامعه مدنی و دولت است، شناسایی شده‌اند. تشخیص این نکته ضروری است که هر پنج اصل باید تا حدی وجود داشته باشند تا حکمرانی خوب تضمین شود. از آنجا که پرداختن به هر پنج اصل ناگزیر باعث ایجاد اصطکاک یا تنش می‌شود، باید در برنامه‌ریزی و اجرا تشخیص داد که لازم است برای ایجاد تعادل در تعارضات ذاتی تلاش شود.

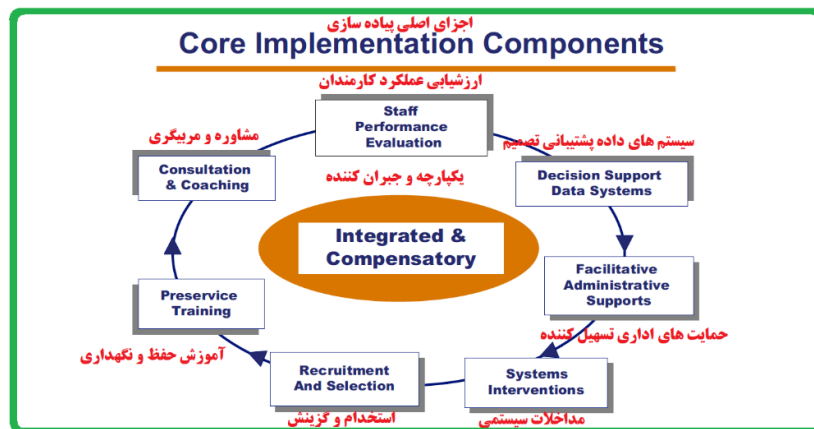
جدول شماره ۶- پنج اصل حکمرانی خوب برای مشارکت در پیشگیری از جرم

شرایط موفقیت Conditions for success	اصل حکمرانی Governance principle
<ul style="list-style-type: none"> <li>- هرکسی که باید باشد، سر میز است</li> <li>- انجمن‌هایی برای گرد هم آوردن شرکا وجود دارد</li> <li>- انجمن‌ها به گونه‌ای مدیریت می‌شوند که به صداهای مختلف گوش داده شود و گفتگو واقعی و محترمانه باشد.</li> <li>- یک اجماع محوری در میان همه کسانی که در میز هستند وجود دارد</li> </ul>	<p><b>Legitimacy and Voice</b> مشروعیت و صدا</p> <p>به نظر می‌رسد کسانی که در مناصب قدرت هستند، قدرت خود را به طور مشروع به دست آورده‌اند و صدای مناسبی برای کسانی وجود دارد که منافع آن‌ها تحت تأثیر تصمیمات آن‌ها قرار می‌گیرد.</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- همه طرفین یک چشم‌انداز مشترک و واضح از هدف خود دارند</li> <li>- هر یک از طرفین مشارکت می‌بینند که چگونه سازمان آن‌ها می‌تواند به چشم‌انداز کمک کند</li> <li>- نقش‌ها و مسئولیت‌ها به وضوح تعریف شده‌اند</li> </ul>	<p><b>Direction/Strategic Vision</b> جهت/چشم‌انداز استراتژیک</p> <p>اعمال قدرت منجر به حس جهت‌گیری کلی می‌شود که به عنوان راهنمای عمل می‌کند</p>



<p>- طرفین به اندازه کافی با هرگونه تغییر در چشم‌انداز که در طول زمان رخ داده است، سازگار شده‌اند</p>	
<p>- ایده روشنی در میان شرکت‌کنندگان در مورد اینکه چه چیزی باعث موفقیت می‌شود وجود دارد - عملکرد نظارت و گزارش می‌شود - چارچوب برای اندازه‌گیری عملکرد و گزارش به طور مشترک توسعه داده شده است - منابع کافی برای ایجاد و حفظ مشارکت وجود دارد - زمینه‌های متفاوتی که طرفین در آن کار می‌کنند درک و پذیرفته شده است</p>	<p><b>کارایی Performance</b> نهادها و فرآیندها به منافع شرکت‌کنندگان، شهروندان یا ذینفعان پاسخگو هستند</p>
<p>- مسئولیت‌های همه طرف‌ها روشن است - روابط باز، شفاف و پاسخگو بین طرفین وجود دارد - روابط پاسخگویی طرفین در قبال سازمان‌های مربوطه به رسمیت شناخته شده و محترم شمرده می‌شود - اثربخشی مشارکت به صورت عمومی گزارش می‌شود</p>	<p><b>پاسخگویی Accountability</b> بین کسانی که در مناصب قدرت هستند و کسانی که منافعشان را تأمین می‌کنند، پاسخگویی وجود دارد و شفافیت و صراحت در انجام کار وجود دارد.</p>
<p>- همه طرفین معتقدند که ارزش کافی از شراکت دریافت می‌کنند - مشتریان طرفین و عموم مردم از شراکت منتفع می‌شوند - قوانین حاکم بر هر حزب به رسمیت شناخته شده و مورد احترام است</p>	<p><b>عدالت Fairness</b> انطباق با حاکمیت قانون و اصل انصاف وجود دارد</p>

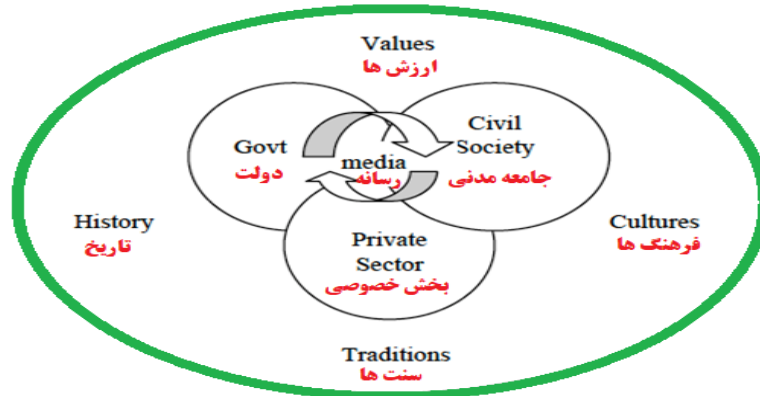
اصول حکمرانی و شرایط موفقیت در جدول فوق به الزامات اساسی برای اجرای مؤثر مشارکت‌های تعاملی می‌پردازد، اما در مورد همه چالش‌های بحرانی سازمانی صحبت نمی‌کند لذا برای این که مشارکت‌کنندگان بتوانند از نوآوری‌ها به طور مؤثر استفاده کنند، باید بر آن‌ها غلبه کرد. دین فیکسن و همکارانش (۲۰۰۹) از بررسی‌های سیستماتیک مطالعات پیاده‌سازی خدمات انسانی، از جمله ابتکارات پیشگیرانه، برای ایجاد یک چارچوب قدرتمند جهت شناسایی مؤلفه‌های اصلی در راستای اجرای موفق پیاده‌سازی خدمات انسانی استفاده کرده‌اند. نمایش شماتیک از این مؤلفه‌ها اصلی در شکل زیر بازتولید شده‌اند. همان‌طور که در شکل نشان داده شده است، این مؤلفه‌ها (اجزاء) یکپارچه و جبرانی هستند: هر مؤلفه به عملکرد سایر مؤلفه‌ها بستگی دارد، همه با هم کار می‌کنند تا حداکثر تأثیر را بر رفتارهای کارکنان و فرهنگ سازمانی به دست آورند و نقاط ضعف در یک مؤلفه را می‌توان با نقاط قوت در سایر مؤلفه‌ها برطرف کرد. این مدل به عنوان یک تصویر عالی از ترتیبات حکمرانی خوب برای سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات و روشی مفید برای خلاصه کردن بسیاری از دروس که از اجرای پیشگیری از جرم آموزش داده می‌شوند، در نظر گرفته می‌شود.



نمودار شماره ۴- همکاری اجزای اصلی پیاده‌سازی و حفظ استفاده مؤثر از نوآوری‌های خدمات انسانی مانند برنامه‌های مبتنی بر شواهد

(Source: Fixsen et al, 2009: 534)

همان‌طور که برنامه کاهش جرم و جنایت (CRP= Crime Reduction Program) و سایر مطالعات موردی نشان می‌دهند، استخدام کارکنان، آموزش، مربیگری و ارزشیابی عملکرد در قلب مدل قرار دارند و همچنین در مرکز بسیاری از چالش‌های پیش روی افراد در گیر در اجرای پیشگیری از جرم قرار دارند. یکی از ویژگی‌های مهم پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز که پیامدهایی برای نحوه ارائه پیشگیری از جرم در حال حاضر دارد، استفاده از مربیگری و مشاوره مداوم است تا اطمینان حاصل شود که متخصصان مهارت‌های ضروری را از کارشناسانی که در تنظیمات سازمانی تعیین شده‌اند به دست می‌آورند. حمایت‌های سازمانی از طریق سیستم‌های داده و مدیریت تسهیل‌کننده نیز ضروری هستند، زیرا مسائل کارکنان و پشتیبانی سازمانی به نوبه خود تحت تأثیر متغیرهای سیستم بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، انتخاب کارکنان واجد شرایط برای مداخلات جامعه‌محور با دستمزد نسبتاً کم اما خواستار در محیطی که فارغ‌التحصیلان می‌توانند حقوق بالاتری را در زمینه‌های دیگر با استرس کمتر جذب کنند، دشوار است. به‌طور مشابه، برنامه‌های پیشگیرانه در برابر تغییر هوس‌های سیاسی، آسیب‌پذیرند. پیشگیری از جرم اگر سیاسی نباشد، چیزی نیست. جدول فوق مستقیماً به مدل Fixsen ارتباط دارد، زیرا این واقعیت را برجسته می‌کند که پایداری و تداوم پیاده‌سازی خدمات انسانی به محیط سیاسی و سازمانی باثبات، بودجه بلندمدت و تنظیمات سیستم خارجی بستگی دارد که از کار شاغلین پشتیبانی می‌کند. پیشگیری از جرم مستلزم اعمال قدرت در قالب اقتدار مشروع و به‌کارگیری دانش و منابع برای دستیابی به اهدافی است که اغلب مورد مناقشه است. دستیابی به حکمرانی خوب مربوط به چگونگی اعمال قدرت است، اما مهم است که توجه شود که قدرت در جامعه به روش‌های پیچیده‌ای توزیع می‌شود که می‌تواند منجر به پیامدهای ناخواسته شود. همان‌طور که در شکل زیر توضیح داده شده است، سه بخش از جامعه در فرآیند حکمرانی شرکت می‌کنند که همه آن‌ها در بین شهروندان به‌طور کلی قرار دارند: بخش خصوصی، نهادهای جامعه مدنی (از جمله بخش غیردولتی) و دولت. رسانه، کنشگر چهارم، می‌تواند یک واسطه باشد، اما خود یک کنشگر مجزا نیست، زیرا اساساً بخشی از یک یا چند بخش دیگر است. اندازه و قدرت نسبی کنشگران با توجه به تاریخ، فرهنگ و سیاست کشور متفاوت است. هیچ مرز محکمی بین این کنشگران وجود ندارد و مرزهای بین آن‌ها کاملاً نفوذپذیر است.



نمودار شماره ۵- زمینه اجتماعی و مشارکت‌کنندگان در تعامل حکمرانی و جرائم حکومتی  
(Source: Edgar, Marshall & Bassett, 2006)

مشارکت به تمامی فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به نوعی تعاون و همکاری مردم را در تصمیم‌گیری‌ها در بر داشته باشد و اساسی‌ترین نوع مشارکت، هم‌فکری و ارائه پیشنهادها از جانب کارکنان و مردم است. یک مفهومی که برای سنجش مشارکت به کار می‌گیرند، همدلی است. همدلی مفهومی روان‌شناختی - اجتماعی است و بنا به تعریف عبارت است از: «اقدامی در جهت ارتباط با دیگران به منظور درک من دیگر یا به عنوان یک فرد دیگر و در جهت پیش‌بینی حدود و توانایی‌ها». همدلی یا قدرت انتقال فکر دارای دو جنبه است: اول برون‌فکنی به معنای قدرتی که انسان می‌تواند خود را در قالب هر آنچه غیر است تصور کند. دوم درون‌فکنی که عبارت است از نسبت دادن شاخصه‌های هر آنچه غیر است به خود. به عقیده محققان، جامعه جدید، جامعه مشارکت‌جو است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی است. مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات، در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت فرهنگی به صورت استفاده از رسانه‌ها، مشارکت روانی به صورت همدلی و تحرک روانی و مشارکت حقوقی به صورت حاکمیت قانون جلوه می‌کند. در بحث و بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی مردم با هدف کاهش جرائم باید اشاره شود که «مسئله بنیادی اندیشه دورکیم، نظم اجتماعی است». دورکیم، مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی را اعتماد و همبستگی اجتماعی می‌داند. یعنی بدون انسجام، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. دورکیم به تأثیر همبستگی اجتماعی

در نزدیک کردن افراد به یکدیگر و تشدید ارتباط نقش مشارکت نهادهای مردمی در پیشگیری اجتماعی از جرم میان آنها اشاره می‌کند. هر جا که همبستگی و مشارکت اجتماعی مردم نیرومندتر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک‌تر کردن افراد به هم و تشدید تماس آنها می‌شود. اگر در جامعه‌ای، همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شود، ولی اگر در جامعه‌ای مشارکت اجتماعی مردم ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه کشیده شوند. از جمله عوامل مهم و مؤثر در همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم یک جامعه با پلیس در پیشگیری از کاهش انحرافات اجتماعی را می‌توان فرهنگ و اعتقادات دینی، اقتصاد و جایگاه اجتماعی و شغلی و تحصیلی افراد و نیز پایبندی ایشان به قوانین اجتماعی و هنجارهای اجتماعی عنوان کرد. در این راستا چالش‌های عمده که لازم است جهت افزایش کیفیت حکمرانی خوب و کاهش جرائم و به‌طور خاص فساد، پیش‌بینی و از آنها اجتناب کرد به عنوان پیشنهاد سیاستی دیگر به شرح زیر ارائه نمود:

۱. از قوانین و مقررات بیش از حد خودداری کنید
  ۲. به یاد داشته باشید که سیاست بخشی از حکمرانی خوب است
  ۳. ایجاد حمایت گسترده از اصلاحات و توجه دقیق به مشکلات و اختلافات.
  ۴. به مشوق‌ها توجه زیادی داشته باشید.
  ۵. افکار عمومی اهمیت دارد.
  ۶. کنترل‌ها و تعادل‌ها را تقویت کنید.
  ۷. مخالفت با اصلاحات را هرگز دست‌کم نگیرید.
  ۸. فقط بر دولت‌های ملی تمرکز نکنید.
  ۹. روی بلندمدت متمرکز بمانید.
- نهایتاً پیامدهای سیاستی برگرفته از این مطالعه نشان می‌دهد که دولت‌ها باید بر قانون و نظم تمرکز کنند تا سطح فعالیت‌های افراطی جرم را حذف کنند. شرایط اجتماعی اقتصادی بهتر از عامل فرصت‌های شغلی می‌تواند منجر به کاهش نرخ جرم و جنایت و بازگشت آن شود. علاوه بر این، دولت‌ها باید بر فرآیند پاسخگویی بی‌طرفانه تمرکز کنند، به‌طوری‌که مقصران حتماً مجازات شوند و به دادگاه معرفی شوند.



## منابع

- Akram, Z., Wajid, S., Mahmood, T., & Sarwar, S. (2011). Impact of poor governance and income inequality of poverty in Pakistan. *Far East Journal of Psychology and Business*, 4(3), 43-55.
- Alemika, E. E. (2013). The impact of organized crime on governance in West Africa.
- Asongu, S., & Kodila-Tedika, O. (2016). Fighting African conflicts and crimes: which governance tools matter? *International Journal of Social Economics*, 43(5), 466-485.
- Brush, J. (2007). Does income inequality lead to more crime? A comparison of cross-sectional and time-series analyses of United States counties. *Economics letters*, 96(2), 264-268.
- Becker, G. S. (1968). Crime and punishment: An economic approach. In *The Economic Dimensions of Crime* (pp. 13-68). Palgrave Macmillan UK.
- Bannaga, A., Gangi, Y., Abdrazak, R., & Al-Fakhry, B. (2013). The effects of good governance on foreign direct investment inflows in Arab countries. *Applied Financial Economics*, 23(15), 1239-1247.
- Buscaglia, E. (2003, December). Controlling organized crime and corruption in the public sector. In *Forum on crime and society* (Vol. 3, No. 1/2).
- Baharom, A. H., & Habibullah, M. S. (2009). Crime and income inequality: The case of Malaysia. *J. Pol. & L.*, 2, 55.
- Carmichael, F., & Ward, R. (2001). Male unemployment and crime in England and Wales. *Economics Letters*, 73(1), 111-115.
- Cao, L., & Zhang, Y. (2017). Governance and regional variation of homicide rates: evidence from cross-national data. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 61(1), 25-45.
- Choe, J. (2008). Income inequality and crime in the United States. *Economics Letters*, 101(1), 31-33.
- Chiu, W. H., & Madden, P. (1998). Burglary and income inequality. *Journal of Public Economics*, 69(1), 123-141.
- Draca, M., & Machin, S. (2015). Crime and economic incentives. *economics*, 7(1), 389-408.
- Edgar L, Marshall C, and Bassett M. (2006). *Partnerships: Putting good governance principles in practice*. Ottawa: Institute of Governance
- Fixsen, Dean L., Karen A. Blase, Sandra F. Naoom, and Frances Wallace (2009). "Core Implementation Components." *Research on Social Work Practice* 16(5): 531-540.
- Gujarati, D. N. (2009). *Basic econometrics*. Tata McGraw-Hill Education.
- Habibullah, M. S., H. Din, B., & Abdul Hamid, B. (2016). Good

governance and crime rates in Malaysia. *International Journal of Social Economics*, 43(3), 308-320.

-Hassan, M. (2002). Governance and Poverty in Pakistan (No. 2002: 13). Pakistan Institute of Development Economics.

-Henderson, J., Hulme, D., Phillips, R., & Nur, N. A. M. (2002). Economic governance and poverty reduction in Malaysia. WORKING PAPER-MANCHESTER BUSINESS SCHOOL.

-Gillani, S. Y. M., Rehman, H. U., & Gill, A. R. (2009). Unemployment, poverty, inflation and crime nexus: cointegration and causality analysis of Pakistan. *Pakistan Economic and Social Review*, 79-98.

-Kelly, M. (2000). Inequality and crime. *Review of economics and Statistics*, 82(4), 530-539.

-Mehlum, H., Moene, K., & Torvik, R. (2005). Crime induced poverty traps. *Journal of Development Economics*, 77(2), 325-340.

-Montes, G. C., & Paschoal, P. C. (2016). Corruption: what are the effects on government effectiveness? Empirical evidence considering developed and developing countries. *Applied Economics Letters*, 23(2), 146-150.

-Pinotti, P. (2015). The economic costs of organized crime: Evidence from Southern Italy. *The Economic Journal*, 125(586), F203-F232.

-Raphael, S., & Winter-Ebmer, R. (2001). Identifying the effect of unemployment on crime. *The Journal of Law and Economics*, 44(1), 259-283.

-Sittha, P. V. (2012). Governance and Poverty Reduction in Thailand. *Modern Economy*, 3(05), 487.

-Sarker, A. E., & Rahman, M. H. (2007). The emerging perspective of governance and poverty alleviation: a case of Bangladesh. *Public Organization Review*, 7(2), 93-112.

-Shah Habibullah, M., & Baharom, A. H. (2009). Crime and economic conditions in Malaysia. *International Journal of Social Economics*, 36(11), 1071-1081.

-United Nations Interregional Crime and Justice Research Institute <http://www.unicri.it>

-United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC), <https://www.unodc.org/unodc/index.html>

-United Nations University – WIDER <https://www.wider.unu.edu>

-Wilson, R. (2016). Does governance cause growth? Evidence from China. *World Development*, 79, 138-151.

-World Development Indicators, World Bank [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)